

الایمان

درین جریده از هر گونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد ملی بحث میشود

قیمت سالیانه
از وزراء و اعیان دولت بقدر
معارف دوستی شان
برای مکاتب ملی و کتب خانهای ملی
و معاونین و وقایع نگاران (فخری)
رایگان
از عموم خریداران در داخله
(۱۲) روپیه کابلی در خارجه
بیم بوند انگلیسی با محصول پوست
از طلاب و محصلین نصف قیمت
ششماه
داخله خارجه
(۸) روپیه (۷) شلنگ

امان افغان

۷ ۳ ۳ ۷ ع

از ابناء وطن هر که اهل دیده شد بدون خواهش
جریده برایش فرستاده میشود
قیمت يك شماره يكجباری

ده افغانان کابل
سر دیر
سید محمد قاسم
همه امورات تحریریه بنام
اداره فرستاده شود
اداره در انتشار و اصلاح مقالات
وارد مختار است
در هر هفته یکبار نشر میشود
اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود

تاریخ شمسی (۲۱) حوت ۱۳۰۲ هجری (دوشنبه) تاریخ قمری (۲) شعبان سنه (۱۳۴۲) هجری

فهرست مندرجات

- ۱ محصلین افغان در مکتب نظامی - سن سیر فرانسه - ۲ شفق و رحمت - ۳ تشکیلات مطبوعات انگلیس -
- ۴ اخلاقیات اعتیادات - ۵ متنوعه - ۶ کلمات برجسته - ۷ حوادث داخلی - ۸ اعلامها

(محصلین افغان در مکتب نظامی)

(سن سیر فرانسه)

دسته اول محصلین افغانی که (۳۶) نفر بودند و در واسط (۱۳۰۰) برای تحصیل به اروپا اعزام شدند همه کی در فرانسه مانده در مکتب ایسی مبثلی داخل شده به تحصیل زبان فرانسه و تدبیر عملیات و تطبیق محصلیات شان با پروگرام مکتب مذکور تا این نزدیکها مشغول بودند . قریب شش ماه میشود که از جمله محصلین مذکور چهار نفر شان بوجه خوردی سن در مکتب مذکور مانده بقیه برای تحصیل فنون به مکاتب مخصوصه مسلکی توزیع شدند ، جناحی صورت توزیع آنها را قبلا در امان افغان نشر داده ایم .

از جمله محصلین مذکور که به مکاتب مسلکی توزیع شده اند چهار نفر شان برای اکتال فنون نظامی به مکتب نظامی فرانسه (سن سیر) نام دارد داخل شده اند امای این آقایان سردار محمد علیخان برادر اعلیحضرت غازی ، و عبدالنواب خان پسر جناب اعلی محمود بیک خان وزیر مختار افغانستان

دربار پسر محمد یعقوب خان پسر . . . عبدالغنی خان . . . است که در کابل هم در مکتب حریبه تحصیل می نمودند . نسبت به توزیع این شاگردان بکتابهای مسلکی بعد از دو سال توقف در فرانسه که محض زبان را هم درست یاد نگرفته باشند نظریات و عقیده مخصوصی داریم و از روی آن میدانیم که نتیجه چه خواهد بود ؟ ولی نظریات و فکر خود را از باعث فقدان موفقیت خوانستیم هم عرض تمامه بگذاریم اگر در آیه فرصت مناسب دست داد به اظهار آن مبادرت خواهیم نمود در این روزها بعض فونوهای همان چهار نفر محصلین مان که در مکتب (سن سیر) فرانسه مشغول تحصیل میباشد به نازه کی رسیده و برای جلب دقت و شفقت خواننده کان و خوشوقتی علاقه مندانه این شاگردان ذبلا درج می نمایم که ملاحظه فرمایند بالاس نظامی معمول هر روز مکتب (سن سیر) با سائر رفقا و شاگردان فرانسوی بیچ وجه فرقی میان آنها نمیتوان داد و کمالا وضع زندگانی سر بازی (سپاهیکری) و تحصيلات نظامی همگی از روی يك اصول و بدون تفاوت می باشد .

در سال گذشته برای آن که قبلا این جوانان به تربیت و اصول تحصيلات و وضع زندگانی این مکتب اشنائی پیدا نمایند

در تحت سرپرستی يك صاحب منصب فرانسى در هفتاد و دو مرتبه به مكتب حربه رفته از امور تحصیلات و وضع زندگانى سربازى آيينه خودها آشنائى پيدا مى نمودند . اين الفت و سابقه شناسائى براى آنها از جمله ضروريات بود ، زيرا كه تحصیلات اين مكتب و جدوجهد هاى عقلايى كه در دو سال براى شاگردان لازم است يك مقدمات جدى را حتى داشته است .

بنظر ما مفيد و ضرورى آمد بعضى اطلاعات كه از اوضاع و چگونگى مكتب (سن سیر) كه نوانسته ايم تحصيل نماييم فاردين عظم خودمانرا مستحضرساخته كه اين مكتب و محسنات آن را خوب بشناسند .

مؤسس مكتب حربي سن سیر ناپليون كبير بوده است و متجاوز از صد سال است كه اين مكتب به قشون و نظام فرانسه صاحب منصب در علم سواره و پياده نظام داده است . بعضى صاحب منصبان معروف فرانسه مثل (پتن) و (ليوتى) و (فرانسه ده اسپره) وغيره از متخرجين همین مكتب بوده اند . جوانان فرانسوى كه آرزو و اشتياق داخل شدن مكتب (سن سیر) را دارند در موقع قبول شدن بايستى يك امتحان ورودى بوضع و ترتيب مسافه و برزى داده تقبول شوند مثلا در هر موقع امتحان دخولى تقريبا يك هزار و پانصد نفر از جوانان كه خود را لائق و مستعد ميدانند براى روز امتحان دا و طلب حاضر ميشود و در ميان آنها دوصد و پنجاه نفر كه قابل قبول و لائق تر از سايرن هستند در امتحان خوب برآمده اند (كه همین عدد سه ساله براى مكتب معين است) . قبول و داخل مكتب ميشوند . و بعد از اين آنهايك رتبه و درجه (باشايه) يعنى پلوك مشرى را طى نموده اند و داراى شهادت نامه هستند خود را معرفى كرده امتحان داده قبول و داخل (سن سیر) مى شوند .

مدت تحصيل در داخله مكتب عبارت از دو سال است . در جريان اين دو سال سه ساله يك ماه و نيم شاگردان تعطيل دارند و در هر سال بايك رتبه جديد به مكتب داخل مى شوند .

تدریس و محصلات عمده اين مكتب هم حقن و آماده كردن صاحب منصبان لائق به علوم پياده و سواره نظام مى باشد و بر حسب ميل و شوق آنان به اقدام يك از اين فنون و شعبات آن ميشود . آنرا كه تخصص شود خود را آماده مينماید و از علوم ديگرى بهر دستى نظام و آسان يابى و غيره اطلاعات كامل تحصيل مى نمايد . در مدت دوره محصلات و آموزش فنون حربي علوم ذراتى و فضا و عالم ، رياضات فز و قدر

لازم مى آموزند .

پس در صورت كاميابى واقف و احراز درجه امتحان مى توان گفت شاگردانيكه از مكتب (سن سیر) به رتبه (سيوليه نشان) يعنى تولى مشر پس از دو سال تحصيل خارج مى شوند در نتيجه زحمات فوق العاده كه كشيده اند واقعا جوانان تحصيل كرده و داراى معلومات علمى و فنى نظامى مى باشند و لياقت صاحب منصبى و رياست شعبات نظام را دارا هستند .

اين جوانان مامم بعد از سه سال كه دو سال آن در مكتب سن سیر و يك سال هم خدمت و عمليات در رژيمان و قشون فرانسه بخايند و در سازه جد و جهد خویش موفق بشوند وطن عزیز خود مراجعت نموده در امور تنظيم و تشكيلات قشونى مملكت هنوز خودها تيرك و رزیده خدمات قابل تقدير وزارت حربه قديم دارند و در مكتب حربه وظيفه معلمى و تعليم فنون نظامى ايفا نمايند .

با اطلاعات عميقى در امور ترتيب قشون منظم فرانس و بواسطه تجربه و آميزش سه سال تمام در ميان آنها نه فقط اين جوانان اطلاعات كامل به تمام اصول حربي و آلات و ادوات جنگى امروزه فرانس خواهند داشت بلکه از اصول و ترتيبات بكار بردن آنها هم اطلاعات كافي تحصيل نموده خدمات بزرگى بعمل خواهند آورد .

به اين ترتيب آرزو هاى معنوى ما كه داشتن يك قشون قوى منظم است زيرا كه داشتن قشون قوى و صاحب منصبان جدى و فداكار بهترين تكيه گاه امنيت ماست ، صورت خواهد گرفت . ولى در اين آرزو اميد وارى ما فقط به جدوجهد اين اولادهاى غير افغان است كه صفات حمزه افغانى را كه حيث و همت وجد و جهد است روز داده در تحصيل و آسب معلومات فوق العاده كوشش نمايند و به محض نمايشات ظاهرى و داشتن يك تصديق نامه كه فلالى سه سال در مكتب حاضر مى شد و در سهارا شفيده ، و تلفظ چند كلمه فرانسوى و تقليد اوضاع معاشرتى اروپا وقت خود را ضائع سازند كه در اينصورت عوض قاهه و وطن و ملت مسبب فساد جامعه خواهند شد پس بايستى به صفات و اطلاعات فوق لذارى واقفى خود را آراسته كرده بيايند تا وطن را معمور و ملت را سرور نمايند .

اين است آثار پيش بينىها و افكار عالى و مقاصد معنوى اعلیحضرت پادشاه جوان تحت روشن ضمير كه بايك بصيرت كامل و شوق واقفى كه به ترقى امور نظام سعادت اين مملكت را در خدمت و فداكارى هاى بزرگ كه براى شرافت و بخت بخنى ما اتصالا مبذول ميفرمايند ، ما ملك افغان را بايد كه ابدالمر رحمن منت و فداكارى هاى شاهانه را بشوم و در زان

هيچ نخشى كه افشاند مى شود نازمين راشخم (قوليه) وزير و زيرنگيند سبز و حاصل دار نميشود ، همچنين قلب انسان و عظم و اصيحت در آن نميكنجد مگر اينكه تمام اجزاء و ذرات آن مخلوط و در اعماق فرو ميشود . شخم قلب فقط بواسطه شمر بعمل آيد -

آى مرد نيك نخت با رحم و شفقت باش ، دل خویش را بارافت و مروت اشنا کن ، بلکه قلب خود را يك قطعه رحمت بساز ؟

خواهى گفت كه من سعادت مند نيستم زيرا در كنجبنه سينه ام قلبى نظير ساير دلهاست يعنى خالى از هم و محنت نيست آرى چنين باشد ولى توبه بپيچاره كان دل شكسته هم بايد رحم كنى و كرسنه را سير و تحت رامستور كن و محزون و تر انسليت بده ، محنت تيره بختار را دفع كن ، و چون بر احوال بپيچاره كان مطلع شوى ، محنت خود را درازا مصيبت آنان كوچك و حقير مى بينى و هم غم خویش را فراموش مى كنى ، هيچ تعجب مكن كه بواسطه مشاهده بدبختى و ذلت آنان ميتوان هم خود را فراموش كرد ، آرى از ميان ابرتيره آنان برق تسليت مى جهد زيرا نور از موج ظلمات بديدار شده و ماه در نيمه شب طلوع و فجر از كاهواره نارى سحر روز مى كند .

تمام شهوات و لذات بوسيده و مندرس از سخن مكرر سنگين تر و ناكوارتر شده و فقط يك لذت مانده كه هميشه تازه است و آن عبارت از احسان است و بس .

منظر فقير شكر گذار به اندازه دلپذير و نعمه سپاس او بطورى خوش لحن است كه از ترانه هاى كانه بهتر و از لغبات معيبدى معنى عرب انقز تر است .

توبه فقرا و تيره بختان نيكي كن و من بشونويد ميدهم كه اگر شوى از كوى بپيچاره كان عبورت افتد سر نيك نامى و حديث مدح و حمد توبكوشت خواهد رسيد . فقرا بدون اينكه از ايستگاه و مرور توكاه شوند نورا اشرف مخلوقات و بهترين انسان ميشوآنند پس از سپاسگذارى بدها آغاز و طلب رحمت از زدى را براى تو مى كند و سامعين هم به انها اقتدا كرده و آمين مى گويند ، در انجا ، در همان محيط فقر و مسكنت نام نيك خود را در ملا اعلى ما بين قدسيان مى بيدارى از اين لذت چه بهتر ؟

اى كاش هر گاه چشم تو به يك محزون يادرد مندى افتد ، چند قطره اشك بر زرد انگاه ما از اين افعال خورسند و فخر خاك مى شويم ، خورسند مى شويم كه در ميان بشر يك دل رقيق ، و يك شخص باعاطفه يافت مى شود اشك تو كه بر صفحه رخسار



آقای عزيز سردار محمد علی خان پسر اعلیحضرت شهيد بالباس نظامی

عمر و بلندی اقبال بن پادشاه غيور ملت و دوست را از خداوند متعال مسئلت مى نماييم .

در خانه از دولت دوست خود مان دولت بهيه فرانسه كه باشا كردان ما بذل عواطف و نظر محبت دارد و از تعليم علوم و فنون به آنان خود دارى نميكنند اظلمار تشكر و امتنان مى نماييم و ما اميد و ابريم هر گاه شاگردان ما كه در فرانسه تحصيل مى كنند بعد از اتمام محصلات مطابق آرزو و انتظار ما برآمده از معلومات و اطلاعات خودها فوائد مطلوبه به افغانستان رسانده توانستند اين عواطف دولتى و احساسات تشكر گذارى ملت افغان نسبت به دولت بهيه فرانسه بيشتر و روابط ما بينى مشيدتر خواهد شد .

(شفقت و رحمت)

(از مقالات فيلسوف بزرگ مصطفی لطفی المنفولوی)

ميخواهم شاعر خيالى بدون قافيه و وزن بشوم زيرا كه ميخواهم روبروى قلب استاده و بوى خطاب كنم !

جاری می شود عبارت از خط روشن و سطور نوری است که بر لوح سپید وجود نکاشته و ثابت می کند که توانسان هستی آسمان می گردید و اشک باران می ریزد و قلبوی بواسطه جنبش و تکان برق به خفقان می افتد و نمره آن به سبب تصادم ابر بلند می شود ، زمین هم بواسطه وزش هوا می نالد و به سبب تلاطم موج خروشان دریا و تکان زلزله می لرزد و یقین است بگناه آسمان و ناله زمین عبارت از ترحم و تعطف بر انسان تیره بخت است ، که فرزندان طبیعت هستیم بایستی با زمین و آسمان هم آواز شده و بحال بشر هم وقت کنیم .

آن دستی که از سیل اشک جلو گیری می کند بهتر از آن دستی است که خون می ریزد ، دستی که دل درد ناک مردم را علاج کند بهتر از دستی است که شکم هارا پاره کند ، انسان محسن از ناید بهتر و بزرگتر و از مجاهد مقدس تر است ، مابین

می و کاشنده تفاوت و سببی است که در نظر همه کس محسوس می شود رحمت عبارت از يك كلمه كوچكى است ولى مابین لفظ و معنی آن فرق واضعى است چنان چه مابین لفظ شمس و منظر آن فرق و تفاوت است ، آفتاب زبان كوچك مى آید ولى حقیقتاً آن خیلی بزرگ است آن فیلسوفى كه كم شده خود را میان سینه انسان و دل رحمت دار پیدا كند سعادت و آسایش جامعه را احراز مى كند -

اگر مردم به همديگر رحم كنند هيچ كرسنه و لحنت و مظلوم و مغبون در میان آنها نمى ماند ، هيچ اشكى روان و هيچ دلى شكسته نمى بود ، هيچ خوابكاهى پراز درد ، هيچ ارامكاهى محلو از محنت نمى شد و يقيناً رحمت و شفقت - تيره بخنى و درد را هم چون صبح روشن كه مداد ناری را محوى كند رويده و آرى از آن نمى گذارد .



محصلین افغانی بادسته خود از شاگردان فرانسوی بحالت مشق

خدا انسانرا برای سخری وقت روزی نیافریده ، او را برای كرسنه كى خلقت نكرده و در جامعه نینداخته بلكه حكمت ایزدی چنین مقدر كرده كه روزى او به اندازه كفايت مابین زمین و آسمان باشد ولى او رحمت را از خود سلب نموده و در نتیجه برادر خود تهمرد كرده و قوی بر ضعیف مسلط شده و رزق او را بخود منحصر ساخته لهذا نظم و ترتیب قسمت ارزاق بر هم خورده و عدل و انصاف بنابر كزید . و اگر رحمت و شفقت را می بدلهای میداشت محنت و شقاء در قلوب نمى كنجید -

انسان منفرد عبارت از جامعه است و تعدد صفات و اختلاف جامعه ناشی از اختلاف و تعدد صور است آیامیدانید كه انسان كى انسان می شود اوقتیكه این حقیقت را شناخته و در قلب خود بكنه جانند یعنی وقتیکه بداند جامعه عبارت از جسم و روح خود او است انگاه قلب او از اضطراب دلها مضطرب و از سکون و آرامش آنها آرام می شود . پس اگر ان رشته و رابطه كه مابین او و جامعه وصل شده است قطع شود خود منفرد شده و حتی از نفس و روح خویش ، وحشت می كند انس و الفت و اجتماع مایه حیات و وحشت و انفراد ، موجب هلاك و محرومیت از نفع برنده گانی است .

خلاصه هيچ گمان نيست كه باوجود رحمت بيك كاران تيره بخنى و ذلت بيجاره كان برقرار باشد مگر اينكه ممكن شود كه در يك جاى هم ايزد مهربان وهم اميرين جمع شوند -

بعضى از مردم وسايل برواحسان را در دست دارند ولى از درد مندان واقفان دستكوبى نمى كنند چون راه بروند بدون اينكه بمناسطرحن خون انكبه و اوضاع ملائكت خيز نگاهى افكنند و متاثر شوند باقوة بخوت و حضور ميروند و اگر منظر آنان بيك بدبخنى افتد بجز استهزاء و تنفر و عدم اعتناء از آنها چيزى روز نمى كنند .

جهمي اختلاط و معانيرت با مردم را عبارت از سود شطشى و دوشيدن و ميكيدن خون آنها ميدانند همين قدر ميخواهند بار خود را بسته و خر خویش از پل گذراننده و نفع از مال و وجود خلق كنند . مردم را مانند گاو و كوسفندالسته كه دائماً بايد از آنها استفاده كرده و با آنها فابده رسانند . هر معامله كه با مردم می كنند فقط برای منفعت خود می كنند . نظير ، صاحب گاو گوسفند كه قوت و آب بخيوانات نمى دهد مگر برای سود خویش از شیر و پشم و گوشت وغيره و اگر بتواند يك خانه را برای برداشتن آجر و قلع يك سنگ ويران می كند .

برخی هيچ سخن و داستانی بجز دردم و ديتار ندارند و فقط در فكر اين هستند كه چگونه كسب يك درم كرده و چه طور آنرا ذخيره نموده و چه نحو آنرا در حيطه خود آرند . شهبارا به بخوابی احيا كرده كه فلان مقدار از كنج او ناقص شده و روز هارا به فراهم نمودن زرو سيم از هر منبع و مورد مشروع وغير مشروع می گذارند .

وقوعی بازار مردم بدون استفاده و انتفاع حادث كرده بدون داعی و سبب با ذلت خلق مبادرت ميكنند و اين ناشی از سوء طبيعت و فطرت زشت و ناپاکی است . بعضى چون دستشان مردم آزاری نميرسد ديگر از اباذای خلق و اदार ميكنند مانند صيادى كه سك خود را بصيد برافندد . برخی به انداره بد نفس و موقذی هستند كه اگر احدی غير از شخص آنهاروى زمین نباشد عقرب ذلت خود آنها بجان خود آنها می افتد . گروهی هستند كه اگر در دهان خود باز كنند خون انسان در میان آن پدیدار ميشود و اگر دستهای خود را دراز كنند جز چنگال درنده و ناخن وحش از آنها مشهود نمیشود . و اگر صندوق سينه آنها را باز كنند غير از يك قطعه - سنگ در آن نمى بينى .

آنها مردمی هستند كه فقط بشر را انسانى خشونت و درنده كى و خون خواری آنها را پوشايمده آنها از رحمت و شفقت دور هستند . و عطف و نصيحت در اياها تاثيری ندارد .

ای انسان ! با تمام قواى خود از اين حذر كن كه در صفت بيكى از اينها با تى زبرا اينها كرك درنده و وحشى شكم خوار هستند بلكه بتو بند ميدم كه تريك هيچ يك از اينها سر زبرا شابد بدون تحمل و رقت تو را اسپر چنگال خود كنند .

ای انسان به بيوه زنان در بدوى كه بجز يك مشت تخم سبزه روز ندارند رحم و با نكاهيك هاى جانكده از ميرزد و نفس هاى گرم می كشد رافت كن با آنها لطف كن پيش از آنكه از حيات خود سير و سر ك را بر زنده گانی زحيج دهند -

زنى كه چيره و پناه جز نوندارد شفقت كن مبادا نا كرز صرض خود را دست خوش احتياج سازد آنكه بادل خونين و چشم كرين بنزل خویش سراجت كند بآن زنى كه ميخواهد ناموس خویش را بشو بفروشد هم رحم كن شايد از فروختن شرف ، فروختن صرض مابوس شده در كلبه خود بنشيند -

بمادر طفل و آينه روح خود هم رحم كن زيرا او زبون و امر خود را بدست تو سپرده و خدا تو را به حمايت و حراست و رعايت وى مكلف كرده مبادا اعناد خدا را از خود سلب كنى و فرزندان خود هم كن و به تربيت جسم و عقل او بكوش زيرا اگر لساع كنى او را در تهلكه افكنند و بد بخت خواهى كرد .

بجاهل و عاجز هم رحم كن و از حجز او استفاده كن تا ظلم و جهل براى مسلط نشود ، هيچ عقل او را آلت سود خود مكن ، بخيوان هم رحم كن زيرا او نظير نوحس درد و امداد دارد و مانند نومتاثر ميشود ، ميگرید ولى اشك ظاهرى ندارد . بخيوان رحم و اين را تكذيب كن كه انسان با الطبع لثم است ، دستى را كه با او مشت می زند بسويده و دستى كه بوى دراز نميشود ميشكند .

بطيور هم رحم كن و آنها را در زندان قفس حبس مكن و بحال خود بگذار به انجاييكه ميخواهند پرواز كنند و الطوريكه مایل اند ترانه بسازند ، زيرا خدا فضائى نامحدود را برای آنها آفریده تو اين فضا را به يك محبس تنگ مبدل مكن ، آنها را از آزاد و بدین ا كتفا كن كه نعمات آنها را فقط دورا دور از روى شاخها و درخنها و ساحل روزها بشنوى و برؤيت آنها نمنع كن ، زيرا منظر دلچن آنها در حالت آزادی بهتر و دلپذير تر است اى بيك بخنان توانگر را به بيجاره كان تيره بخت و فقراء سبزه روز رحم كنيد و اشك آنها را با عطافه و مهر خشك نفايد زان كان زمين رحم كنيد ناخداى زمين و آسمان بشما رحم كند -

انجراپد فرانس

تشکیلات مطبوعات انگلیس

مخبر مخصوص ما تشکیلات دسته بندی جرائد انگلیس را از لندن مخابره میدهند و ما هم بدرج آن مبادرت می نمائیم و قارئین ما خواهند توانست که از طرز دسته بندی این جرائد پی بقایید و افکار آنها بیروند .

لندن ۱۷ اکتبر - مؤسسه های مختلفه که امروز جرائد انگلستان را تشکیل میدهند به تقسیمات ذیل منقسم می شود :
اولین و مهم ترین مؤسسه مطبوعات انگلیس عبارتست از مؤسسه (هار سورت) یا (روبر) که این مؤسسه هم از تأسیسات ذیل مرکب میشود :

۱ - شرکت کپانی جراید (آسوسیه نئیوز پی رز لیمیتد) که جرائد مهمه دلی میل اوینک نیوز - اوور ساس میل - و بکلی دیسپاچ را طبع و نشر می نمایند
۲ - کپانی (امالکا ماندرس ۱۹۲۲) که تقریباً متجاوز از ۷۵۰ جریده بومیه و ماهیانه در ولایات طبع و نشر می نماید .

کپانی مطبوعاتی دلی میروور (دلی میروور نیوز پی رز لیمیتد) که جرائد دلی میروور و سوندی پکتوری را طبع و نشر می نماید
۳ - کپانی کاغذ سازی هار سورت که عبارتست از

موسسات انگلویو فوندامند در لوبه منت کپانی لیمیتد (و (امپریال میلز لیمیتد) و این دو مؤسسه اخیر الا ذکر دارای امتیازاتی در جنگل های جزیره (رنو) بوده که در اینجا کار خانه های کاغذ سازی مهی تأسیس نموده و بهیبه کاغذ برای تمام

موسسات مطبوعاتی فوق الذکر در عهده آنها می باشد (جزیره رنو از متفرعات امریکای شمالی و در محیط اتلانتیک در جنوب خلیج سن لورن واقعست . مترجم) کنترل تمام موسسات مطبوعاتی (هار سورت) در عهده لرد (روبر) میباشد (زیرا

لرد هار سورت پدر لرد روبر بوده است) و علاوه شارالیه حق کنترل و تخفیف در اغلب جراید ولایات را نیز دارا می باشد منجمله جرائد : ایلدز سرکورد) و (دلی رکورد) منظمه کلاسیکو و جراید (ویکلی میل اند رکورد) (اسکوتیش ویکلی رکورد) می باشند .

دومین مؤسسه مطبوعاتی انگلیس مؤسسه (استور برس) میباشد که جرائد ناموس و اوورور را طبع و نشر می نماید سومین مؤسسه مطبوعاتی انگلیس مؤسسه لاید جرج میباشد و این مؤسسه هم از تأسیسات ذیل مرکب میشود .

کرونیکل وست آسیائی نیوز و دورهام فوتبال دیسپاچ را طبع و نشر می نماید

۳ - وست میستر برس لیمیتد که جریده وست میستر کازت را طبع و نشر می نماید

۴ - مؤسسه های (نیوزاف دورلد) و (اولد هاس لیمیتد) که جرائد جون بول - یاسنیک شو - اسپورتیک لیف و بان را منتشر می سازند

بر این مؤسسه های فوق الذکر موسسات ذیل اضافه می نماید :

جریده مورینگ پست و مخبرین مطبوعاتی مانند روزرز لیمیتد و (برس آسوسیه شن) و (وائسپو نال برس اجانس) و (سانترال نیوز) آنها جریده که فیما بین موسسات مذکوره از نظر قارئین نگذشته است جریده منجستر کاردین میباشد که این جریده در منجستر ناشر افکار کا پتالیست های منجستر بوده ولی در مقام جریده نگاری به استقلال فکر و موقعیت ثابت معروف بوده و در مطبوعات انگلستان مقام ارجمندی را حائز است .

(لت اوامیته مورخه ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳)

اخلاقیات

(اعتیادات)

بقلم جناب محترم آقای علی محمد خان
رئیس کل تدریسات وزارت معارف
پیوسته به گذشته

(سینکا) یکی از دوستان خودش را پتین میدهد که هیچ روزی را شام نمیکند مگر اینکه بنوشن بعضی مقالات ویا مطالعه و ایجاد آثار بعضی از مؤلفین و مصنفین معروف مصروف نگردم .

(مار کویس سبی نولا) از (سر هورس در) رسید ؛ لطفاً بفرمائید برادر تا بچه مرض مرد ۹ مشارالیه جواب داد جناب ا در بیکاری .

مار کویس - فی الواقع این مرض برای قتل جنرال های ما کافی و برای اعطای وجود شان زهر قاتل است .

(دی س تی) نیز بفرض استیجاب اصول و سبک محرم (نیوسپی د اپد ز) تاریخ مومی الیه را هشت کرت بقلم خود تسوید کرد .

رکها و اسپایبول حاضر بالکل دارند که مردو دارای صحت است و مالک حقیقت ، ننگها میگویند شخص مشغول

و مصروف ، بلای یک شیطان گرفتار است و آدم نیل ویی طافه بنذاب هزارها

اسپایبول ها میگویند علی العموم شیطان انسان را بازی میدهد اما انسان نیل ویکار شیطان را می فریبد

مختصه اثر هر روز زجر کشی و صرف مساعی اعتیاد کنیدا زخمه ها و مهلکه های بسیاری رهائی می باید و در نیل هر کوه مرام خویش کامیابی و از بجه خطرات مهلکه اعتیادات سینه مذمومه تخلص کریبان می کنید و از اخلاص امنیت دوستان خود وا مریهید .

(۲) ثبات فکر و استقلال مزاج را اعتقاد کنید . مراد از ثبات فکر و استقلال مزاج رای متملمین اسمع منم و استحکام اراده است در تقیبات فرایض از روی یک پلان (قشه) معین ، آنچه بعضی مردم همچو عادت دارند که محض شنیدن که فلان شخص چنین یک پلانی را در فرایض خود تعقیب کرده قاتر المرام گشته او شانهم آور آورانه همان پلان را اتباع می کنند . ولی روزی چند نمی گذرد که آثار ترک نموده پلان دیگر را اخذ میکنند فقط همین امر به زید چنین کرده و عمرور چنان راهی رفته برای مخربص و تشویق شان در اخذ آن یا این کفایت میکند مگر همینکه جنس دیگری میکذرد باز یک مسلک دیگر را ل جدید بقید گفته تعقیب و از آن مسلک پیشینه اظهار فرت میکند (ورت) می گوید شخصیکه در انتخاب یکی از دو چیز مذذب بود که آیا کدام یک از آن دو چیز را باید اول در ساحه اجرا گذارد اعمال واکال هیچکدام موفق نمی آید . شخصیکه از خود ثبات فکر و استقلال مزاج نداشته همچو بادما هر طرفیکه حرکتش دهند حرکت کنند و هر صوبی که خواهند رو آرد ، با ایجاد امری بزرگ در حیات خود موفق نمیشود و از جا ده افاده و افاضه بیثبت اجنباعیه یک طرف می افتد بجای اینکه در راه رقی قدمی بیشتر گذارد بقه قرائی تزلزل رجعت میکند پس لازم است شخص دارای ثبات فکر بوده بهر چیزیکه اقدام می ورزد اولاً خوب دقت نموده سپس بایک منم مرادانه و قصد متانت کارانه در مقام ا کمال آن براید مشکلات و ناملایمت هائیکه در راه تحصیل امور واقع شدنی است هیچ انکار و تذبذب و تزلزل را بخود راه ندمد تا بمقابل همچو همزمن کوه های شامع این نمد و صخره های جسیم آب گردد .

کوبند چارلس دوازدم اکثر معاینه قطعات مملکت خود را بجنایح استعمال تصمیر کرده ۲۴ ساعت اسب میراند بسیاری از عساکر و لئوین رکابش در راه مانده خود بذات خودونها

بسر افتیده تزلزل در راه اراده اش بروز نمی کرد در یکی ازین سفر ها اسپش در انسانی راه سقط شد زمین و لجام اسپ را و دوش گرفته پیاده قطع راه افتاد بعد از طی فاصله سر راهی تصادف کرد واسپی بربک درخت قریب آنجا بسته یافت فوری اسپ را از درخت باز کرده زمین و لجام نموده خواست بار رها بگذارد که مالکشی از قضیه مطلع گشته سر راه بر شاه بست و به نیت دزدی التزامت کرد چارلس گت چون زیر بار کران زمین و لجام سخت مانده شده بودم خواستم برین اسپ قدری راحت کنم مالک اسپ در مقام توبیخ بر آمده مردود بکشیدن تیغ ها و سفک دماغ مجبور گردیدند ولی هم در آن لحظه محافظین شاه در رسیده مالک اسپ را از حیث حریف مطلع گردانیدند . ازین حکایت بظاهر است که عزم رصین چه معنی دارد و قصد عین چه جور شخص را در مقام دفاع هر گونه مزاحم می بر آرد ا کر اسای وطن از بدو حال همچو ارادات صمیمانه نمود کنند مدارج علیای ترقی و تعالی نایل میگردند و سعادت دارین خود شان را امنیت می بخشند .

(۳) باندی وقت را اعتیاد کنید .

باندی وقت یعنی است سهل الحصول که هر کس بخواند می تواند بان اعتیاد کند ولی منافسانه بسیاری از مردمان بآن اعتیاد نه نموده نمود بآ ترا میل نمی کنند و رسیدن بجای موعود با تاخیر و لعل در ایام امور موکول را امری میسر و آسان ، و بروقت رسیدن را کاری تکلیف رسان میدانند . خیال نمی کنند نمودن شان باین خصلت خیلی عزیز است و برای عالم مدیت خیلی ضروری . ممکن است در بعضی امور مقدار اجرا آن شخصی که قیمت این خصلت را رعایت می کند با مقدار اجرا آن کسی که به خصلت مزبور اهمیت نمی گذارد مساوی باشد ولی شخص اول از راحت دماغی و اطمینان وجدانی هزار بار بیشتر از شخص دوم محفوظ و متقدّمی شود و نسبت به تأمین مفاد دیگران خدمتی نمایان ارازی دارد . مارشل بلوچر وعده کرد به نزد هم چون سنه ۱۸۱۵ در واتر لوادنگتن ابراز معاونت کند اگر بروعه خود وفا نمی کرد و رعایت بروقت رسیدن را بیک طرف میکذاشت ناپلیون بطور حتم محاربه را بمظفریت خود خانم مبداد و تاریخ امروزه اروپا را قلب میساخت . هوری طورد جالسز انگلستان باوجودیکه بار بیک سلطنت عظیم بردوشش بود و تخمیناً ده محافل را ریاست می کرد جریده ها می نوشت آنقدر این خصلت خود باندی وقت را رعایت

می کرد و وقتیکه محافل مزبوره منعقد میشد در اول جن شخصی که بر چوکی نشسته دیده میشد لورد مشارالیه می بود . عجیب این است که چون بعضی از مابین خصلت مزبوره را در شان شخصی می باید اقتدر بیک نظر احترام گاراه تاق میکنند و بآن پله ممز می داند که حد ندارد حتی خیال میکنند اگر این خصلت بخرد باشد هر قیمتی که دست دهد خواهد خرید . آیچرا مهمه می نماید و حصول خصلتی را که هر کس خواهد می تواند به تحصیل آن مقتدر آید از خود بپسند می داند از جهة اینکه عطالت و تنبلی طبیعت انجور اشخاصی را چندان استیلا کرده و مودت و استرخا آنقدر سر ایامی شانرا احتوا نموده که نمود باین عادت را مافوق طبیعت می شمرد و شخص متعود بآ ترا از عالم دیگر محسوب میدانند .

برخی از مردمان ظن میکنند که وقت رسیدن و هر چیزی را بروقت مقرر آن انصرام دادن از خصائل مردمان پست درجه و عادت کسبه میباشد و آنکالک باستمیاب آن نمی گرایند و از ان تبعید می جویند و دیر رسیدن و پس ماندن از وقت نشان را شان و شوکت میدانند حالانکه صفات محموده در شان فواید معتبر متحتّم تراست . الغرض فواید باندی وقت بیشتر از آن است که باید گفت و فزونیتر از آنکه در ساحت نوشتن آورد

(۴) وقت برخاستن را اعتیاد کنید .

کم کسی خواهد بود که وقت برخاستن را اعتیاد نکرده از عمر دراز و ترقیات حیات محفوظ گردیده باشد . انسان چون از جامه خواب ناوقت برخیزد لاجرم هر چند ناوقت تر بکار و بار اشتغال می کند و بداهه همه امورش را بیک اختلال و بی نظمی رو داده بر اعمال بک چیز هم موفق شده نمی تواند (فرانک من) میگوید کسیکه صبح ناوقت میخیزد مجبور است تمام روز عقب کار رفته اش بدود ولی با اینهم کار خود را آشب گرفته نمی تواند .

(وسن سوخت) می گوید ایدا یاد ندارم اشخاص ناوقت خیز بیک ترقی در حیات خود شان تصادف کرده و بایک عمل مفیدی برای نوع خویش احراز نموده باشند . (سنن) از شباب خود حکایت می کند :-

در آوان شبام بناوقت برخاستن متعود بوده بسیاری از اوقات عمر عزیزم را رایگان ضائع کردم ولی ملازم عزیزم (جوزف) در دفع این غلّه خیلی بامن معاونت نموده و واقده کلبه کرد چه من وعده کرده بودم مردفمه که مشارالیه مرا به شش بجه صبح از جامه خواب برخیزاند بیک بوند برایش میدهم چند صباح بیچاره جوزف خیلی کوشید مگر دشنام ها تهدید ها ، مخوف

هائیکه در انوقت از من می شنید مبادرتش را سلب می کرد یعنی همیشه بر بستر من رسیده مرا بپرخاستن مجبور می کرد دشنامش میدادم و حا کمانه بر عودش از خانه حکم میفرمودم اما بعد از دوروز ناکیدا برایش گفتم نباید از تهدیدات و مخوفاتم اندیشه کند و او امر و نواهی را درین زمینة کوش دهد . پس صبح دیگر جوزف برهالیم آمده و مرا بیدار کرد باوجودیکه هزارها دشنام و غش و ناسزا برایش گفتم ننگذاشت تا جامه خواب را ننگذاشتم باینطریق در بدل تحمل دشنام ها و غش هائیکه برای چندی هر صبح کائی می کرد بیک بیک بوند برایش میدادم باین لحاظ من خودم را در تالیف و تسوید بسیاری از مؤلفاتم مدیون جوزف میدانم .

فریدرک دوم پادشاه پرتیبا با وجود کبر سن و ضعف پیری در اواخر حیات خود ابدأ از چار بجه صبح پس تر در جامه خواب استراحت نمی کرد . پتر کبیر چه وقت مشغولیتش در ماشین خانه کشتی سازی انگلستان در لندن بحیثیت بک نجار و چه وقت آهنکاری چه وقت جلوس براریک شاهى هم وقت سحر خیزی عادت داشت و میگفت چون آرزو مندم عمرم دراز باشد پس هر قدر ممکن است کتر میخوابم .

دانشمندی تقدیر کرده است که فرق مابین برخاستن هفت بجه و پنج بجه صبح در مدت چهل سال در صورتیکه انسان بربک وقت معینه بخواب رودده سال است به باره دیگر کسانیکه به پنج بجه از خواب میخیزند نسبت با هائیکه هفت بجه برخاستن را نمود می کنند بقدر ده سال بیشتر افزوده می تواند . (باقی دارد)



چهار نفر آقایان محصلین نظامی افغانی بالباس نظامی معمولی

(متنوعه)

از جراید روسی

(عمل یدی طبی برخلاف طبیعت)

در شعبه جراحی مریضخانه بلگراد عمل یدی غیر معمولی دیده شده چند روز قبل بیک شخصی فلاح (ژ . رانکو وچ) نامی بسن ۲۲ سال سا کن بیکى از دهات تر دبیکی بلگراد بمریضخانه آمده و خواهش کرد اورا معالجه کنند . وقتیکه رانکو وچ سه ساله بوده از پهلوى چپ او زبر دنده ها مختصر ورم پیدا شده بوده است بمرور ایام ورم زیاد می شده و رفته رفته ترکیب کوژ بسیار بزرگی پیدا می کرده و در ضمن این حال پهلو شروع بدرد کردن گذاشته آخر الامر شدت درد از حد

تحمل خارج و رانکو وچ علاج از اطبا خواسته است بعد از آنکه دهکان بمریضخانه پذیرفته شد . در شعبه جراحی پروفیسور داکتر کستیج قبول گردید چند روز اطباء مریض را معاینه میکردند می داشتند قبل از آنکه مشغول عمل بشوند عات برآمدگی را تعیین نمایند و آخر هم مریض را تشخیص نداده عمل شکاف مریض را پروفیسور داکتر کستیج با نفاق بردست خود داکتر با کو دیسویچ عهده دار شدند همیشه از سمت چپ خط شکم را شکافتند در میان استخوان کوه زن و دنده ها بیک چیزی ظاهر شد شبیه بچرخک بسیار بزرگ مدور قوی رده وار و دوجا وصل بعهده عمل را مداومت داده و بالاخره پروفیسور کستیج تا کمان با معجب اظهار داشت : در این جا دونایچه ادم

اسپ مشهور پاپروس

اسپ موسوم به (پاپروس) که برای مسابقه از لندن با آمریکا رده بودند با اسپ امریکایی موسوم به (زو) هم ناخت شده مسافت دوهزار و چهار صد متر در دودقیقه و سی و پنج ثانیه و ۲۴ ناله طی کرده وقتی که بمنها الیه مسافت رسیده اند سر (پاپروس) مجازی پای (زو) بود .

مال السابقه يك ميليون و دو بیست هزار فرانك بود که بصاحب (زو) تسلیم شده مع ذلك پاپروس در امریکا مشتری پیدا کرده ، بدویست هزار دلار (تقریباً - ۱۲۵۰۰۰۰ - پول کابل) اورا از صاحبش میخرند مهاجرت نمود

پودیهای باور از ترس حله اهالی بایتالیا مهاجرت میکنند روزانه هزار خانواده یهودی مهاجر به تیرول بعد از جنگ جزه ایتالیا شده ورود میکنند .

و نیز در لیتوایی ضدیت اهالی با این طائفه محسوس و غالباً مورد ضرب و شتم مردم واقع میشوند .

تقلیل عده مستخدمین در لهستان بواسطه تعادل بودجه دخل و خرج عده زیادی از مستخدمین دولت جواب داده شده اند . عده کسانی که در این و هله مجبور بکناره گرفتن از مشاغل دولتی شده اند بهشت هزار نفر بالغ میشود .

(جراید ضد فرانسه در آمریکا)

لیو یورک امریکن (۳۰۰ هزار نسخه و روزهای یکشنبه يك مليون نسخه بطبع میرسد)

نیو یورک زور ناک (۶۲۵ هزار نسخه طبع میشود)

زه وورلد (۳۵۰ هزار)

رونک وورلد (۲۷۵ هزار)

کلوب (۱۶۶ هزار)

ایشها جراندی هستند که سر بخا با فرانسه مخالف میباشدند و اشغال ناحیه رو هرو تضییقات دیگر فرانسه را نسبت بالمان اعتقاد میکنند .

مخالفت بانظریات فرانسه بسرعت در امریکا منبسط میشود .

(عایدات نیبا کو و کبریت)

در نه ماه اول عایدات فرانسه از بابت فروش نیبا کو که مخمس دولت است بمبلغ يك ملیارد و دو بیست و هشتاد میلیون و نیم فرانك بالغ شده و نیز در همین مدت عایدات دولت از باب فروش کبریت بهشتاد و يك میلیون و نیم رسیده .

نارس است عمل استخراج در ساعت طول کشید - یکی از بچه قداً قریب به ۲۵ سانتیمتر و زنا زدیک يك کلو کرام دیگری نصف از او کمتر بود بچه بزرگ سر و کردن دارد بدن کوناه و کلفت دست چپ و پای راستش هر کدام شش انگشت دارند در دهان دوتا دندان داشته و سرش پر مو بوده است قسمت پائین بدن پهن و هر چه بالا میرود باریک تر میشود تا اینکه در آخرین نقطه فقط دارای مهره کمر و استخوان میگذرد

در حین عمل سر این بچه جدا شد زیرا اگر صحیح بیرون می آوردند بعضی اعضا معده مریض ضایع میشد بچه دیگر صراکب است از سر و يك سوراخ از برای دهان و يك چشم و کردن و يك پا این دو بچه باغضروف لوله دار که از معده خون داخل بان ها میشده به اندرون مرد اتصال داشتند .

این اتفاق نظیر ندارد ، نه در توابع ثبت و نه در ادبیات حکما نشانی از آن هست روز دیگر بعد از عمل مریض فوت کرد بلکراد - نوا پور مها - نمره ۷۴۸ -

باران وزغ

اظهار لوبل خبر میدهند ، که در صفحات آردن (فرانسه) باران شدیدی باریده و مخصوصاً در قریه (اوسن) وزغ زیادی از آسمان ریخته بطوری که کوجهها از این حیوان مکروه قرش شده و وارد منازل و دکانهای مردم شده اسباب زحمت شده اند ، وقتیکه باران ایستاده اهالی با چراغ بیرون آمده مقدار زیادی گرفته اند .

مروارید نارکل

درهسته بعضی از اقسام نارکل يك قسم مرواریدی تشکیل میشود که در همه جهت شبیه مروارید صدفی است فقط جلا و تلالو آنرا فاقد است و از همین جهت در تجارت مصرفی پیدا نکرده .

دکتور هوانر هلاندی چند عده از این میوه بزحمت زیادی تهیه کرده مروارید آنرا استخراج و تجزیه نموده مواد اولیه آن همان مواد مروارید صدفی است .

دول

ژاک ریشبن و دوک دو کاما سقرا برای نصیبه مناقشه که بین آنها رخ داده در حوالی پاریس باقی مبارزه کرده دوک منبور زخم سختی برداشته و حقانیت ریشبن پرهان قه مدلل گردیده (اینها متمدنین این عصرند مترجم)

(سک دوستی را جای کشمیر)

راجای کشمیر که اوقات خود را به استمتاع از لذات و مشبهات می گذراند میل مفرط به سک دارد . در این اواخر چهار سک خریده که قیمت هر يك دوهزار پونڈ یعنی بچاه و پنج هزار روپیه کابل است . بعد دوتای آنها را به يك نفر مسلمان که مستوفی اوست و خیلی شوق مند سک است بخشیده است .

(گلات برجسته)

(۱) فقر و مسکنت بمراتب بهتر و نافع تر از غمولى است که مستلزم تبلی و راحت طلبی بشود

(۲) علم در مقز آورده به آرایش مانند شربت لبدی است که در ظرف کثیف قرار گرفته قابل شرب نکرده

(۳) از آنجا که نور دیده حیات مجدی رسیده است که کیفیت مرحله مات را بعین الیقین به بندلهذا کیات و کیفیات بعد از حیات را نباید طوری تعبیر کرد که مستلزم یاس و ازوا و رهبانیت بشود و نه طوری که ایجاد تجری و درنده گی و مطلق العنانی نماید

(۴) عات يك عنبریت قوی بجه ایست که بسا اوقات حقیقت را مقهور نموده حکم فرمانی موقتی میکنند

(۵) انسانها عموماً اطلاقالی هستند که هر يك و هر دسته بایک نوع عروسك خیال بازی کرده هر کس و هر طایفه عروسك خود را بهتر از عروسك های دیگران میدانند

(۶) کسانی را که ما می بینیم بد کرده مجازات بد می بینند یا این است که مجازات درونی و بیرونی آنها خبر نداشته و یا از اعمال حسنه دیگر آنها مطلع نیسم

(۷) عشق يك ودیعه درونی است که در هر وجودی تفاوت موجود و ده عشق یکی بواسطه کوچکی متوجه بغال و جمال شده - دیگری محض بزرگی معطوف به سعادت يك ملت و مملکت گردیده دیگری باقتضای بزرگترین مقتضی سعادت و نجات طامه میبرد

(۸) محنه اناسیت دارای يك زردانیت دو رو - که ملت ها متناوباً از اطراف آن بطرف تعالی و بلندی رفته از یک طرفش بسوی ترقی بر می گردند

(۹) اشخاص مستعد فوق العاده که بواسطه بی اسبابی و بی کسکی آناری از خود باقی نگذاشته کنام از دنیا رفته اند بمراتب بیشتر از کسانی هستند که بواسطه داشتن وسایل یاد

کار های مهمی باقی گذاشته معروفیت پیدا کرده اند (۱۰) بخت - اقبال - اسبابی هستند که ضعف نفس آنها را ساخته وهم و جهل پرداخته نظم استفاده از آنها کرده عقل اراد منضرر و تمام میگردد . ع . ز .

حوادث خارجی

انگلیس و روسیه

روزنامه های انگلیسی می نویسند که روابط بین روسیه و انگلیس بخوبی جریان دارد و عنقریب کنفرانسی در وزارت خارجه لندن برای حل مسایل متعلقه بین روس و انگلیس تشکیل خواهد گردید در واسطه ما راج این گیسبون تشکیل خواهد شد گیسبون انگلیسی در تحت ریاست خود رئیس الوزرا تشکیل میگردد و بر دو شعبه تقسیم می شود شعبه سیاسی و شعبه اقتصادی مستر (کرد کری) مستشار وزارت خارجه لندن ریاست شعبه اولی و مستر سدن رییس دفتر تجارت لندن رییس شعبه دومی خواهد بود

سیاست کرب کار کران در عراق

در مجلس مبعوثان انگلیس کنورتی از حکومت سوال نمود که آیا تغییر سیاسی راجع به بین النهرین در نظر دارد یا اینکه همان سیاست حکومت قبل را اجرا خواهد کرد (مستر مکدونالد) جواب داده حکومت این مطلب را بایک نظر دقی مشاهده کرده و در مقابل در دو موضع بزرگ توقف کرده است یکی باری که از نقطه نظر حمایت بین النهرین بدوش دارد و یکی هم میلی که حکومت دارد برای اینکه زیادتر در عراق بممانده و حکومت عرب را در آن جا مستقر سازد حکومت انگلیس در سال قبل (۶) میلیون و نهصد هزار لیره در عراق عرب خرج کرده است ولی خیال دارد در سال آتی به مبلغ زیادی از آن کم نماید

اقره

حکومت اقره نمائنده کان خود را برای شرکت در مذاکرات راجع بموصل تعیین کرده است

حزب کار کر و آلمان

در تقابل سوال یکی از اعضای مجلس مبعوثان راجع باینکه (مکدونالد) با تقاضای پرداخت غرامات در آلمان موافق است یا نه مکدونالد وقتی که جواب مثبت داد از طرف مخالفین کف زدن ها شروع شد

تکلیف خزانہ در محالات

تکلیف خزانہ در محالات

قبل ازین در اکثر محالات خزانہ نبوده برای رطایا در محویل کردن پو لهای بدهی شان تکلیف وارد می آمد که بجای دور رفته مالیات را محویل می نمودند . در این اوقات برای سهولت واقع تکلیف از مردم ، هر محال یک خزانہ تشکیل داده شده است تا رطایا بدون تکلیف سفر و طی مسافت زیاد در همان قریب وجوار خود مالیات خود را محویل بدهند .

موسیو سولو ویف روسیه رفت

موسیو سولو ویف شارژ دافر دولت بییه اتحاد جماهیر اشتراکیه شورایه روسیه که بعد از عالیقدر جلالنآب راسکول نیکوف ، از طرف دولت بییه اتحاد جماهیر نمائنده به دربار افغانستان بود ، روز شنبه ۱۱ حوت نظر به اطلاعی که از طرف حکومت متبوعه اش برای او رسیده بود از راه هرات به ماسکو رفت بجای او موسیو (والتر) سرکاتب اول سفارت و وظیفه شارژ دافری را تا آمدن وزیر مختار ایفا می نماید .

راپورت مذکوریت مسعیه طبیه

از اول برج جدی الی آخر برج دلو در ظرف دو ماه خلاصه راپورت شفاخانه های مرکز کابل و سمت شمالی که به اداره مستفقه طبیه رسیده قرار ذیل است .
از شفاخانه مرکزی :-

- (۱) از جمله (۴۶) نفر مریض که تحت العلاج (ع) داکتر فیشر المانی می باشند و بامرض های عصبی و اعضاء تناسلی و بواسیر و غدود و لب چاکی و کله خورده کی و دانه سینه و غیره گرفتار بودند ، (۱۶) نفر صحت یافته و (۲۸) نفر هنوز تحت العلاج هستند و (۷) نفر از آنها فوت کرده اند
- (۲) - از جمله (۵۲) نفر که (ع) داکتر برولشتاین المانی آنها را معالجه نموده و بامرض چشم و دیگر امراض متفرق گرفتار بودند ، (۲۶) نفر صحت یافته و (۲۵) نفر هنوز تحت العلاج است و یک نفر فوت کرده است .
- (۳) - بیمار های فوق مریضهای بستری بودند که در شفاخانه اقامت داشتند . مریضها نیک بومیه معالجه شده اند و از شفاخانه ها ادویه برده اند . قرار ذیل است

- ۱ - عملیات جراحی ۸۹۶ نفر
- ۲ - معالجه درد کوش و زخم آن ۱۶۰۶
- ۳ - اطفال که چپچک زده شده اند ۷۴۲

۴ - اشخاصیکه که دوا برده اند

از شفاخانه جیل السراج

قرار اطلاعی که از طرف داکتر کردت سنکوه مقرر شفاخانه سمت شمالی واقع جیل السراج رسیده است از (۱۰) برج دلو تا آخر برج مذکور (۷۵۷) نفر داخل شفاخانه گردیده اند و برای شان دوا داده شده است .

حرکت مستوفی صاحب به هندوستان

جناب میرزا مجتبا خان مستوفی ولایت کابل که از جوانان حرارتناک و خدمت کار وطن می باشند از چندی است که بعضی امراض قلبی و باطنی بوجود شان طاری گردیده هر چند در کابل داکترها و اطبا ندای نمودند فائده کلی نکرد . لاجرم تصمیم گرفتند که نزد حکیم معروف هندی جناب حکیم اجل خان صاحب به دهلی رفته ندای نمایند مدتی حرکت شان بنا بر بعضی تعویقات خارجی معطل مانده تا که ایام گرمی هندوستان شروع شد چون که مجبور بودند ناچار عنتم به رفتن راقرار دادند و روز یک شنبه (۲۰) حوت به ساعت (۱۰) از کابل به سواری موتر رفتند . از آنکه تعالی برای آن جناب معظم شفاهای عاجل و مراهجت باصحت و سلامتی نیاز می نمائیم .

(معافیه بودجه)

در این هفته هیئت عالی از راه مصرف ملاحظه بودجه سنه ۱۳۰۳ می باشد امید است که هفته آینده این کار مهم انجام یابد .

اعلان

از طرف شرکت برادران افغان

درد کان شرکت برادران افغان مقدار زیادی (کلاه بانون) سجه زیبای بسیار نفیس و اعلا - چرمهای بلغار - چرمهای کلان کلاکت - چرم کلامیشی موجود است به قیمت بسیار ارزان می فروشد هر کسی میل دارد به دکان شرکت رجوع کند که مالهای مذکور خیلی عمده و ارزان است و بزودی تمام خواهد شد .

(اخطار اداری)

حضرات مشتریین محترم ا

سال تمام شد و قیمت اشتراک جریده از طرف اکثر مشتریین رسید به بلکه بر ذمه بعضی حضرات بزرگ دو ساله و سه ساله قیمت مانده امید می رود که بزودی و چه اشتراک ذمه کی خود هارا برسانند و بیشتر ازین آسامع وانماض نکنند .

در مطبعه حروفی ماشین خانه طبع گردید